



IRAQI
Academic Scientific Journals



العراقية
المجلات الأكاديمية العلمية

Contents available at: <http://jls.tu.edu.iq>

Journal Of Language Studies

ISSN 2616- 6224



Examples of Arabic verbs in the Holy Quran and its Persian translation in terms of morphological and alphabets

Prof. Ghazi Laibi Shuwail
Dr.. Rana Ali Majeed*

College of Languages, Baghdad University
Rnd30@yahoo.com

Keywords: -linguistics -Qur'anic -sciences	Abstract: Knowledge of language and its meanings are sound, semantic, syntactic and semantic. Especially if the circle of this knowledge goes away in verses of the Holy Qur'an and its subjects. Using these new levels of linguistics, researchers have tried to explain the specifics and characteristics of the lives of the old tribes, especially in the field of audio and video. Those who were corrupt, ruthless and unscrupulous, and also why the Qur'anic verses emphasized certain verbs. Such as verbs: (Seer), (Sarezr), (earthquake), and how could they be told through phonemes, vowels, and phrases in the way and manner of life that the relatives achieved, along with the style and manner of translating these verbs into Persian by translators How did their culture translate into other languages, research and exploration, and does this translation entirely match the themes? It is worth noting that every person can normally see the face of a person or animal or tree not willing to see, or hear their voice or understand their way of life, but through the Qur'anic interpretation and its relation to the development of sound and physical sciences can be practically all See and hear the creatures, this is really one of the new ways of expressing the concepts and themes of the Holy Quran in the context of linguistics and its descriptive metho
Article Info	
Article history: -Received 12/2/2019 -Accepted 20/2/2019 Available online 1/3/2019	

** Corresponding Author: Dr. Rana Ali Majeed, E-Mail: Rnd30@yahoo.com Tel :009647701715071 ,
Affiliation: College of Languages, Baghdad University-Iraq

نمونه‌ها از افعال عربی در قرآن کریم

و روش ترجمه، فارسی آنها از لحاظ تکواژی و هجایی

نماذج من الافعال العربية في القرآن الكريم واسلوب ترجمتها الفارسية من حيث المقاطع الصرفية والهجائية

أ. دغانري لعبي شويل

د. مرنا علي مجيد

چکیده

شناخت نربان و ابعاد آن لحاظ صوتی، صرفی، نحوی و معنایی اهمیت زیاد دارد. مخصوصاً اگر مدار این شناخت در آیات قرآن کریم و مضامین آن دور می‌نرند. پشروهندگان با استفاده از این سطوح و اثرگان نربان شناسی نوین مخصوصاً در نزمینه‌های صوت و صرف سعی کردند ابعاد و مضامین دلالت این اصوات در بیان و یشرگیهای و محتصات نرندگی اقوام قدیم تبیین بکنند. آنها که فاسد، ظالم و مستبد بودند، همچنین چرا آیات قرآنی برگونه ای از افعال مشخص و معین تأکید کردند است. نظیر افعال:

(دَمَدَمَ)، (صَرَ صَرَ)، (نُرْ نُرْ) و چطورم توانستند از طریق واجها، واکه‌ها، و

تکواثرها به طرآنر و مرسم نرندگی می‌توان گفت که آن اقوام برسند، در ضمن سبک و

شیوه ترجمه این افعال به زبان فارسی از طرف مترجمان و اثر فرهنگ ایشان در نقل آنها به زبان های دیگر مطالعه و تحقیق و وضوح روشن شد و آیا این ترجمه کاملاً با مضامین مطابقت دارد؟ شایان ذکر است که هر انسان عادتاً می تواند چهره کسی یا حیوان یا درخت را که حاضر نیست ببیند، یا آوازه آنها را بشنود یا چگونگی زندگی آنها را درک بکند، ولی از راه تعبیر قرآنی و ارتباط آن با کشفیات علوم صوت و فیزیک می تواند مجازاً همه موجودات را ببیند و بشنود، واقعاً این یکی از شیوه های جدید در بیان مفاهیم و مضامین قرآن کریم در چهارچوب زبان شناسی و روش توصیفی آن را به دست می آوریم.

واژه های کلیدی:

واکه، واج، تکواثر، افعال عربی، هجاها، واژگان دمدم، صرصر، زلزل

مقدمه

واقعاً قرآن کریم بی نظیر در ادای و بیان مضمون کلمات و تعابیر بود، و می باشد، و خواهد بود، زیرا که متون و الفاظ و تعابیر قرآنی از خدای متعال ناشی می باشند، از این

مرومی توان گفت که شناخت این کلمات یا این واشرگان همیشه نیازی به فهم و ادراک تازه دارد، و این امر به عهده پشروهشگران و زبان دانان واقع می گردد، همیشه باید در این خصوص تجدید نظر بکنند، مسأله مهم در این بحث و بررسی این است، که همه تفاسیر و شروحات قرآنی در امتداد زمان منحصر به تفاسیر فقهی، نحوی، اجتماعی، روانی، اقتصادی، فلسفی و همگانی و جز آنهاست ولی تفاسیری که در صد بیان اثر صوت و ابعاد آن در بیان دلالت و مضمون مرخ دادهای زندگی و جامعه تقریباً خیلثری کم است. نظر به اینکه این اصوات اثر لحاظ دلالت و معنا خصوصیات متعدد در بیان مفاهیم قرآنی دارد و پشروهشگران سعی کردند که محاور، و مطالب این بحث و بررسی در چهار چوب روش تحقیق توصیفی و تحلیلی می باشد همچنین محاور تحلیل و مطابق این مطالب عمدتاً در موارد زیر واقع می باشند:

بیان مسأله:

نظر به اینکه صوت و آوا اثری مهمی و نرنده در بیان دلالتهای متعدد و گوناگون مفاهیم و مضامین آیات قرآنی را دارد، پشروهشگران به تحلیل برخی اثر و اشراگان قرآن کریم و امر

اصل مسأله شدند . تا انرا همراه داده‌های این بحث و بررسی تا حد امکان می‌توانند برخی

انرا این ابواب بگشایند

پرسشهای تحقیق :

انرا همراه مطالعه این مطالب ، این بحث و بررسی می‌توانیم پاسخهای پرسشهای زیر را

بیابیم :

آیا تفاسیر و تحلیل آیات قرآنی ثابت یا متغیر است ؟

آیا زمینه‌های تفسیر آیات قرآنی شامل تفسیرهای صوتی می‌باشند یا نه ؟

آیا نقش زبان شناسی نوین اثری وسیع و بزرگ در تفسیر آیات قرآنی دارد یا نه ؟

فرضیه تحقیق :

پژوهندگان در این بحث و بررسی فرضیه را مطرح کردند و انرا همراه این فرضیه وارد اصل مسئله، و مطلب شدند مضمون آن اینست که به کمک کشفیات علوم و فیزیک و دست آوردهای آواشناسی می توانند طرق متعدد را برای درک ابعاد صوت بیابند .

اهداف تحقیق :

- بررسی و شناخت صوت و اثر آنرا در بیان معناست .
- استفاده انرا علوم فیزیک در چهارچوب آواشناسیت .
- به کار بردن زبان شناسی و امرکان آن در بیان برخی انرا مفاهیم قرآن کریم .
- نشان دادن چگونگی کاربرد روش تحقیق وصفی در این بحث و بررسیت .

روش تحقیق :

همانظوری که در پیشگفتار آمده است، روشی که در این تحقیق به کار برده .

تحلیلی - توصیفی است .

تعریف اصطلاحات تحقیق :

واج :

((واحدهای صوتی هر زبان واجهای آن زبان نامیده می شوند)) (باقری : 1378، ص

. (114)

جوامع متعدد از راه این واجها می توانند مفاهیم فراوان و غیر قابل شمارشی را بسازند .

برای تلفظ هر واج باید از اندامهای گتار استفاده بکنیم ، می توان گفت که (واج)

عبارت است از کوچکترین واحد صوتی ممیز معنی که از راه تجزیه دوم زبان

حاصل می شود ، صورت گتاری واج با صورت نوشتاری آن تفاوتی ندارد و قتی که آنرا

روی کاغذ می نویسیم به آن (حرف) اطلاق می شود ، حال آنکه اگر آنرا تلفظ می

کنیم (واج) نامیده می شود . باعتبار تلفظ آنست . هر واج از لحاظ تلفظ صوتی حرف

((در کلمات : ظاهر، نراهد، ذرت، ضیاء، C آن به صورت کامل منطبق نیست

واجهای اول هر چهار واژه در زبان فارسی یکسانی تلفظ می شود)) (باقری: 1378
، ص 115) در حالی که صورت و ظاهر این چهار حرف متفاوت است یعنی انریک
مرسم و شکل نبودند .

هجاء*:

((هجاء ترکیب یک مصوت بایک یا چند صامت به وجود می آید)) (نجفی 1382، ص
65) لذا حجم هجاء منوط به حجم و تعداد مصوتهاست ، انواع هجاء در زبان فارسی
شش هجاء می باشند که آنها بر طبق علامتهای قراردادی بین المللی عبارتند از:

CV مثال: نه، تو، که

CV مثال: ما، خو، سی

CVC، مثال: کار، مور، سیر

هجاء*Syllabisme

، CVCC مثال: کاردکوشک

C = علامت صامت

V = علامت مصوت کوتاه

V = علامت مصوت بلند

مصوت‌های کوتاه فارسی در قدیم آنها را حرکت می‌نامیدند و آنها را تا حال حاضر در زبان عربی به کار برده می‌شوند، و این امر آنرا حیث تلفظ نیانری به علامتهای قرار تلفظ قرآن (C) مختصری آنرا اصطلاح دادی بین‌المللی ندارد. مخصوصاً همین منبع، ص 155) که به معنای صدای، در واقعاً علامت © کریمست. مصوت می‌آید. یکی آنرا مفاهیم تعریف هجا در اینست مجموعه واجی است که می‌توان آنها را در یک دم نردن بی فاصله و قطع ادا کرد، هر کلامی آنرا هجاهای متوالی تشکیل می‌یابد. هر هجا که بدون وا که ختم می‌شود هجای بانر نامیده می‌شود، هجای که به همخوان ختم می‌شود هجای بسته نامیده می‌شود آنرا قبیل: راه، دیر، نرود، کاشت و امثال آنست، هجای که وسط آنها واگهای نظیر (أ، و، ی) هجای بلندن امیده می‌شوند نظیر: مامر، مور، پیل، دامر، داور، و مانند آنهاست. هجای که واگهای

(-، -، -) در وسط خود واقع می‌باشند هجای کوتاه نامیده می‌شوند. مانند: گَرَد، گَرَد، خرس، مرغ و غیره. **تکواثر*** ((تکواثر دومین واحد زبان است و انریک یا چند واج ساخته می‌شود)) (کامیار باه مکاری عمرانی 1385، ص 8) اگر جمله ((ما خانه مرا فروختیم)) را به نشانه‌های معنی دامن آن تجزیه کنیم خواهیم دید که این اجزا عبارتند از: ما + خانه + مرا + فروخت + یم

لازمه بیاد آوریمست که همین نشانه‌ها می‌توانند در ساختمان‌های جمله‌های دیگر به کار برده می‌شوند، همچنین می‌توان گفت که بعضی از این تکواثرها به صورت کلمه آمده‌اند و بعضی دیگر به صورت کلمه کامل و مستقل نیامده‌اند، مروی هم مرفته همه این تکواثرها در دو عامل اصلی مشترکند، یعنی هم صورت دامنند و هم معنا، تکواثرها دو نوعند: قاموسی، دستوری، نوع اول کاربرد و معنای مستقل دارد مانند: قلم، شیر، بلبلی، نریبا و امثال آنست، نوع دوم معنی و کاربرد مستقل

تکواثر* Morpheme

ندارد و دامرای دو نوع است: اشتقاقی مانند چه، نر امر، بان، ه، ا، آن، و امثال آنست امر قبیل: گنر امر، باغبان، دسته، کوشا، خندان. در صورتیکه تکواثر صرفی معنا و کاربرد مستقل ندارد و امر آن واژه جدید حاصل نمی شود امر قبیل: ان جمع، ها، تر و ترین، می نکره در واثرگان مردان، مردها، خوب تر، خوب ترین، مردی. تکواثر دستوری امر نوع صرفی در افعال ((دم دم)) و ((نزلزل)) و ((صصر صر)) بکار برده شد هر يك امر این تکواثرها بصورت مرکب و مکرر در ساختمان واثرگان این افعال به کار مرفته است.

واژه *

((واژه سومین واحد زبان است که امر يك یا چند تکواثر درست می شود))
 (کامیار باه مکاری عمرانی 1385، ص 9). امر قبیل: باغ، اطاق، پیراهن، درستکاری، جمله ها و امثال آنست، خصوصیت هر واژه در اینست که هر يك امر آنها دامرای استقلال نحوی است و به صورت یکبار چکی می آید علاوه بر این قابلیت جا

واژه *Word

به جایی دآمد و هیچ عنصری دیگری نتواند در آن واژه جای بگیرد ، این بابت توان گفت که واشرگان امر قبیل : درخت ، شیر ، جنگجو ، دوست دامر ، هر کدام يك واژه محسوب می شود ، اما در برخی امر این واشرگان نمی توان گفت جنگها جو ، دوست دامر یعنی عنصری دیگری نتواند درون این واشرگان جای بگیرد .

صامت و مصوت *

ادای واجها و اصوات در دستگاه گفتار هر انسان نیازی به تار آواها ، مریه ، دهان ، گلو ، زبان ، سختکام ، پرده کام ، حنجره و سایر اندامهای دیگر دآمد ، این ادا اگر بانردم به مانعی برخورد نکند و ((تار آواها

به لرنزه دمر آورد ، این لرنزش و نرننگ حاصل امر آن مرا ((واگ)) می نامند و صدای حاصل امر آن مرا

((واگد امر)) . تمام مصوتها به این شکل تولید می شوند و به همین دلیل ، آنها مرا ((واگه)) نامیده اند)) (کامیار باه مکاری عمرانی 1385 ، ص 9) .

صامت * Consoant

صدای واگدا مر آن صدای که هنگام ادای آن تأمر آواها به لرزیده در می آید ، تمام مصوتها بدین شیوه تولید می شوند . بقیه واجهای نربان فارسی صامت هستند . واگه ها اصطلاحاً در نربان عربی بعنوان حرکتهـا معروفند . در نربان فارسی (6) مصوت و (23) صامت هست ، مصوتهای فارسی به دوستهـ کوتاه و بلند تقسیم کرده می شود .

کوتاه: E;o;a

بلند: I;u;a

تفاوت اصلی میان مصوتهای کوتاه و بلند عادتاً واجگاه یا به تعبیر دیگر تلفظ آنها در واجگاه صورت می گیرد و انر کشیده تر یا کوتاه تر کردن صیغه تلفظ آنها معنیهای و اثرگان واضحتر می شود انر قبیل تلفظ دو واشره: سر و سار که هر کدام جداگانه معنای مستقل دارند . کاربرد و نقش ممیز معنایی مستقل دارند . کاربرد و نقش ممیز معنایی واگه های ششگانه نربان فارسی را در و اثرگان زیر می بینیم :

در واشرهء بد : ، و () در بُد : و () در به :

() درواشده باد : ، و () در بود : و () در بید :

آوا و نقش آن در ترجمه

واقعا ما هر روز و به صورت متوالی به علمی تازه انر علوم قرآن بر خورد می کنیم ، و این یکی انر مرانرهای عظمت قرآن کریم است ، تا این کتاب به صورت مستمر مورد توجه محققان و پشروهشگران قرار بگیرد ، در اینجا می توان گفت که مطالعات آواشناسی اخیر نشان داده است که هر حرف یا هر واج در قرآن کریم منظور و مقصد مهمی دارد ، انر مرافهم و تحلیل این واجها می توانیم به ابعاد صوتی مفاهیم و برداشت های آیات قرآن کریم برسیم که انر جمله آنها افعال : دمدمه ، نزلزل ، ((فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهُمَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمُ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا)) صرصر ، در آیات قرآنی سوره الشمس 14 .

و ((اَمَّا عَادٌ فَاهْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ)) سورة الحاقة 69

((اِذَا نَزَّلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ نَزْلَانٍ)) سورة الحاقة 1

اکثریت مترجمان این آیات به بعد معنای این آیات امر لحاظ اجتماعی فلسفی و فکری اهمیت زیاد دادند همچنین امر شروحات و تفاسیر آیات قرآن کریم استفاده کردند . امر قبیل توضیح علل نابود کردن این اقوام ستمکار است ، اقوام عاد و ثمود که مطیع سنن و شرایع خدای متعال نبودند و امر راه هدایت دور کردند در اینجا می توان گفت که ترجمه این مترجمان مبنی بر نقل مضامین و جوهر این آیات مبارک به زبان مقصد است ولی جنبه صوتی و وزن لفظی و آهنگی این آیات مورد توجه شان نبوده است ، واقعاً این امر تقصیری نیست بلکه خود علوم قرآن همیشه فعال و در تجدد است ، امر این مرو باید امر جنبه ها و ابعاد صوتی کلمات و واثرگان قرآن کریم استفاده نکنیم ، مخصوصاً این جنبه ها در آواشناسی و زبان شناسی پیدا می شود . در مطالب بعدی تحلیل اصوات این کلمات و اثر آن در بیان معنا خواهیم دید .

ما خوب می دانیم که بامر معنایی هر واژه در قرآن کریم با ساخت صوتی این واژه بستگی دارد ، افعال : دَمَدَمَ ، نَزَلْ ، صَرَّ ، هم جنبه صوتی دارد و هم جنبه معنایی دارد . که با جمع این دو جنبه بامر معنایی این واثرگان روشن نمی شود ، این امر ما را در قبال

صوت متحرك و نر زنده که د امرای صوت و حرکت قرار می دهد ، لذا این امر باید مورد توجه همه مترجمان قرار بگیرد یعنی مفهوم ساخت و مبنای این کلمات یا این افعال بر واجهای صوتی آنها استوار و مستحکم می باشد . ما در این مطالعه حد الامکان سعی کردیم که ابعاد صوتی آن واژگان را بیان بکنیم تا آنها را در ترجمه های بعدی مورد توجه مترجمان قرار بگیرد ، به تعبیر دیگر هر مترجم نیازی به فرهنگ صحتی و آوا شناسی دارد چه معنای هر واژه امر درون و حجم ساخت صوتی و آوایی آن سرچشمه می گیرد . در این حالت شواهد و قراین در قرآن کریم هم دیدنی و هم شنیدنی می باشند . بنا به آنچه گفته شد ترجمه یکی از فنون مهمی در جهت نقل فرهنگ و اندیشه ها و آداب و رسوم ملل جهان از زبانی به زبان دیگر است ((و مطلوب ترین شکل این انتقال آن است که هیچ بخشی از صورت و معنی از میان نرود اما به اعتقاد متخصصان فن ترجمه ، این امر امکان پذیر نیست . به دیگر زبان ، هیچ پیامی را بدون دست کاری و حذف و اضافه نمی توان از زبانی به زبانی دیگر منتقل کرد ، چرا که هر زبان در محدوده خود حقایقی برای گفتن دارد که عیناً قابل انتقال به زبان دیگر نیست)) (جانزاده ،

1385، ص 9، ص 10)، واقعاً این نظر در خصوص ترجمهء متون ادبی صورت می گیرد که اکثریت آنها امر نظر فرهنگ نسبی مترجم و نگاه وی به اصل متن و ابعاد فکری آن حاصل می شود ولی این امر در واجهای صوتی قرآن و ساخت آنها در قرآن جایز نیست، چرا که هر واج یا هر حرف در کلمات و الفاظ قرآن کریم اثری مهمی در بیان معنا دارد.

زبان مبدأ و زبان مقصد در قرآن کریم باید در خط متعادل و متوازن واقع باشند، یعنی انطباق معقول و متعادل داشته باشد و امر ایجاد فاصله میان این دو مضمون پرهیز بکنیم.

اهل زبان می گویند: هر لفظی برای معنایی نهاده است، در این بحث و بررسی پشروهشگران تأکید کردند که هر واج برای معنایی در قرآن کریم نهاده است، این معانی باید مورد توجه مترجمان و محققان قرار بگیرد، این توجه و رعایت باید به علوم زبان و آواشناسی باشد علیرغم اینکه این علوم تازه است که قدمتی تقریباً یک صد ساله دارند. لیکن مطالعات تخصصی در چهارچوب این علم به چند قرن پیش امر میلاد بازر میگردد، بویژه به دورانی که قواعد زبان سانسکریت تدوین کرده شد. در

امریکان زبان‌شناسی ابعاد مختلف هست انرقبیل مطالعهٔ زبان در قالب حوزه‌های صرف ، نحو ، آواشناسی ، واج‌شناسی ، معناشناسی ، کاربردشناسی ، تحلیل گفتمان ، زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی ، مرده‌شناسی و نیز حوزه‌های بین‌رشته‌ای نظیر جامعه‌شناسی ، روان‌شناسی ، زبان منطقی و امثال آنست ، که این علوم همیشه و مداوم در حال تجدد و تغییر است ، زیرا زبان یعنی نرندگیست و این نرندگی بنوبهٔ خود همیشه در معرض تحول و تغییر است ، و به تبع آن زبان هم متحول و متغیر می‌شود . قرآن کریم همهٔ اقشار جامعه مورد خطاب خود قرار داده است ، در همهٔ جای جهان افراد جامعه در مقابل آهنگ یا سخن کلام و تعابیر موزون و لفظ نریبا نرودتر واکنش نشان می‌دهد که بالمآل معنیهای این الفاظ به آسانی در می‌یابند ، و این یکی انرا سراسر معماری قرآن کریم است .

اصوات و خصوصیت تلفظ آنها در بیان عواقب اقوام ستمکار

هر زبان خصوصیت مشخصی دارد و لو اینکه برخی از خصوصیات در همه زبان‌های جهانی مشترکند مثلاً ((در خط فارسی همهء واجها منعکس نمی‌کند و گاهی برای يك واج معین چندین علامت دارد)) (نجفی 1385، ص 54) از این بابت باید زبان فارسی از علایم بین‌المللی استفاده کنید، بدین ترتیب می‌توان گفت که از راه ترکیب واجها هجاها متشکل می‌شود ((هجا از ترکیب يك مصوت با يك یا چند صامت به وجود می‌آید. بنابراین تعداد هجاها به تعداد مصوتهاست: در هر عبارت مقدار مصوت باشد همان مقدار نیز هجاهست)) (نجفی 1385، ص 65).

در نتیجه ما در برابر وضعیت تکواثرها و هجاها در افعال (دمدم) و (صصص) و (نزل) واقع می‌باشیم یعنی این افعال هم جنبه صرفی و تکواثری دارد و هم جنبه هجایی دارد. نوشتن تکواثرهای این افعال بر طبق علامتهای قرار دادی بین‌المللی، که

علامت صامت و علامت مصوت کوتاه و علامت مصوت بلند است ، بدین ترتیب می آیند :

1. د-م د-م =

2. ص-م ص-م =

3. ن-ل ن-ل =

هجابندی این افعال نشان می دهد که آنها امر سه واج متشکل اند و واج میانه آنها همیشه مصوت کوتاه است و آنرا محور یا مرکز کلمه می باشد .

امر این گروه ما تصور واضح می دهد که حرکت دور و بر هر ذرت بر هسته یا محور ثابت می چرخد عیناً مانند حرکت تکان دهنده ذراتهای مادی گرداگرد یک محور ثابت در نتیجه این حرکت تکان دهنده به ما نشان می دهد که يك امری مهم و سنگین امر قبیل نابود کردن اقوام و ملل ستمکار رخ می دهد ، علاوه بر این صدای تکواثرهای فعل (دَم دَم) اگر بصورت سریع و با صدای بلند دمى خوانیم احساس می کنیم که صدای انفجار بلند را می شنویم . و این یکی امر را امرهای عظمت قرآن است . امر

سویی دیگر واج (ص) در فعل (صَصَرَ) واج صغیری و واگزر است و این یکی امر
خصوصیات توصیف صدای باد سریع و شدید است که در آن مأموریت انجام ناپود
کردن این اقوام فاسد و ستمکار می باشد . به تعبیری دیگر هر حرفی یا هر واج در
این افعال قرآنی نقش مهمی را در ساختن این احداث بزرگ داشت .

تجزیه اول و دوم و نقش آنها در بیان معنا

واقعاً، ما خوب می دانیم که قرآن کریم همهء جنبه های زندگی انسان را برای ما به
صورت روشن و واضح تصویر کرد ، خواه در حال حاضر خواه در گذشته ، به تعبیر دیگر
می توان گفت که داستانهای قرآن کریم نمونه کامل و راستین امر تاریخ نرنده به شمار
می روند ، مضامین و عبرت های این داستانها برای همه آحاد بشریت گشاده است چه نرن چه
مرد ، چه جوان چه پیر است فرقی نیست ، نریرا که نربان و مفاهیم این کتاب
کریم برای با سواد و بی سواد آسان و مفهوم است ، هر داستان تصویری نرنده امر ابعاد و
شرایط و مرسوم آن اقوام به ما ترسیم می کند ، و امر این ابعاد در می یابیم که این
اقوام شرور ، ستمکار است ، در طرف مقابل آن اقوام خیر خواه است ، وصف این اقوام

بجائی می‌رسد که هر کس گمان می‌کند که او وسط ایشان نرندگی می‌کند یا به چشمان خود آنها را می‌بیند، افزون بر دیدن عرصه‌های نرندگی این داستانها، می‌توانیم امر را تلفظ و اثرگان آیات قرآنی و دریافتن مہنیہای آواها و اصوات این و اثرگان و عبارات صداهای واقعی و حقیقی این داستانها به صورت نرندہ و فعال بشنویم، و این امر عجیب نیست زیرا کہ قرآن کریم نربان خداست .

علوم بعدی نشان می‌دهد کہ مجازات اقوام ظالم و ستمکار امر را بکار بردن طبیعت بر علیه این اقوام حاصل شد، بکار بردن قشر نربین، بکار بردن سرعت باد، بکار بردن آب، بکار بردن مورچه‌ها، بکار بردن پرنندگان و امثال آنها کہ اکثریت در کتب تفسیر آمده است . مقصود ما امر این مدخل کوچک آنست کہ خدای متعال در تعابیر قرآنی امر و اثرگان نظیر (دَمْدَم) و (صَرْصَر) و (نُرْلُر) در بیان مفهوم نوع مجازت و شیوہ و میکانیزم ادای این مجازات نسبت به اقوام ظالم و فاسد است، مخصوصاً در و اثرگان (دَمْدَم) و (صَرْصَر) خدای متعال در بکار بردن این و اثرگان می‌خواهد بگوید کہ این دو فعل نشان دهنده وضعیت و چگونگی نابود کردن این اقوام است،

و نیز بر چه شرایط این مجازات مرخ داده است و اثر آن واثرگان حرکت نرمین مرا می شنویم ، در وهله اول باید بگوئیم که هر يك امر اجزای این دو واثره گونهء امر تکواثر است (مورفیم) تقسیم يك کلمه یا يك واثره به کوچکترین واحدهای معنی دامر مرا تجزیه حاصل می شود به آنها اصطلاحاً ((تکواثر)) می خوانند ، یعنی واثرگان ((دم دم)) و ((ص صر)) و ((نر نزل)) هر يك علیحده دامر ای دو تکواثر است : دم + دم ، صر + صر ، نرل + نرل ، سپس می توان آنها را دو باره به اصوات متشکله شان بخش کرد ، واثرگان نامبرده بدین ترتیب تقسیم می شوند :

1. دم + دم + صر + صر

2. صر + صر + نر + نر

3. نر + نر + ل + ل

در این واثرگان قرآن کریم قرآن کریم امر ساخت واثره یا کلمه دمر بیان معنی آن استفاده می کند ، که هر صوت دمر هر واثره دمر بیان معنا اثری مهمی مرا دامر د ، هر کلمه دو تجزیهء دوم نر بان معروف است . ما بعنوان پشرو هشدگران دیدیم که این دو

تکواثر در هر کلمه انر قبیل دم دم، صر صر، نر نرل، دامرای معنای مهم در قرآن کریم است، استنباط ما در این خصوص انر نقاط زیر سر چشمه می گیرد:

1. تکرار شماره واجها* در این واثرگان یعنی هر واثره دامرای اصوات مساوی و متعادل با واثرگان دیگر.

2. دیده می شود که واثرگان انر قبیل ((دم دم، نر نرل، صر صر)) در جهت نابود کردن اقوام فاسد و ستمکار بکار برده شد.

3. خدای متعال انر طبیعت بعنوان آنرا و نیرو در جهت مجازات آن اقوام ستمکار بکار برده شد.

4. صحنه این مجازات توسط حرکت سریع و شدید نرمین رخ داده است که این حرکت جنبه فیزیکی دامر یعنی بصورت تکان دهنده صورت گرفت، این گونه انر حرکتها بعنوان حرکتهای لرزنده در علوم فیزیک به شماره می رود، آن نوع انر حرکتها در دایره و فاصله های محدود حاصل می شود مانند حرکت پاندول ساعت دیواری که به طرف راست و چپ حرکت می کند و هر حرکت مسافت

معلوم داریم، یعنی زیادتر از این مسافت تجاوز نمی کند، تعداد حرکتهای در مجموع دو حرکت می شوند، گویا اینها با تعداد تکواثرها مشابهت دارند، این دو حرکت روی یک محور مرکزی و ثابت رخ می دهد همانگونه که در پاندول ساعت دیواری یا بانری تاب کوذکان صورت می گیرد. محور پاندول ساعت ثابت است در حالیکه این پاندول دو حرکت به دو طرف راست و چپ دارد، همین امر و حالت بر بانری تاب کوذکان رخ می دهد که به بالا و پایین میرود در صورتیکه مرکز محورش ثابت است. این امر همچنین در پیرپیر کردن پاهای پرنندگان صورت می گیرد، در علوم فیزیک حرکتهای متعدد داریم از قبیل: حرکت دایری، حرکت مستقیم، حرکت تکان دهنده (لرزاننده) و امثال آنهاست. نتیجه می گیریم که تعاییر قرآنی از ساخت صوتی کلمات و ترکیب آنها در جهت بیان معنیهای مطلوب استفاده می کند در زبان عربی اوزان کلمات نقشی مهمی در بیان معنا و دلالت کلمات دارند، و قتیکه (کاذب) می گوئیم این کلمه از لحاظ وسعت معنا فرقی زیاد دارد از کلمهء (کذاب) که معنای اول دروغگو داریم نیست در حالیکه (کذاب) یعنی

دروغ‌گوی دایم است یا به تعبیر دیگر بصورت مستمر دروغ می‌گوید و این گونه‌ای امر صیغ
مبالغه به شمار می‌رود امر سوپی دیگر در زبان فارسی می‌خوانیم که واشرگان امر قبیل
(قوم باغه) و (قو) نامشان به تقلید امر اصواتشان در طبیعت به دست
*(واجهای): خود به تنهایی معنی ندارند ولی مینر معنی هستند .

حاصل شد ، و در ساخت کلمه (بزرگ) معنای مشخص دارد و بزرگوار معنای وسیعتر
دارد . صوت و آمدن آن به نحوی امر انحاء درون ساخت هر واشره تأثیر متقابل در روان انسان
دارد که امر طریق آن اصوات موضوع و مضمون واشره مورد نظر فهمیده می‌شود و به ذهن
هر فرد متجسم می‌شود (يك واج می‌تواند اختلاف معنی ایجاد کند) . (باقری
، 1378، ص63) .

اینجا باید توجه داشت که قسمت دوم امر تجزیه کلمات سیستم زبان و شیوه نظم
آن را روشن تر می‌سازد همچنین امر همراه صدای واقعی رخ داده‌های این داستانها که به
صورت کلمات برای ما ترسیم شده می‌توانیم طبیعت ، وضعیت و شرایط این رخ
داده‌ها در می‌یابیم .

نمودار توضیحی:

اینجا فرض کردیم که نقطهء محوری در اصوات این افعال وجودی محسوس و بیرونی ندارد و آنرا در ذهن ما به وجود آورده ایم ، این نقطه در هر فعل دایره ای دو خط متحرک است ، هر کدام از آنها به نوبه خود در فاصله ثابت و معین حرکت می کنند ، یعنی تکرار و توالی این سه صوت از مبدأ مشخص و به مقصد مشخص حرکت می کند ، این دو تا مبدأ و مقصد از لحاظ تلفظ صوتی و رسم الخط یکسان است . دو فعل بعنوان

نمونه ذکر خواهیم کرد

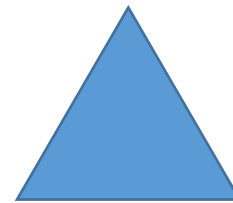
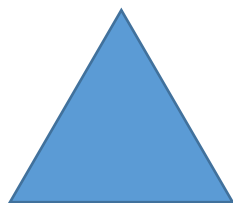
دمدم

تکواثر دوم: (دَم)

تکواثر اول (دَم)

نقطه محوری

نقطه محوری



واگه

واج (د) — — واج (م)

واگه

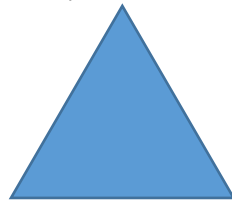
واج — — واج (م)

ص ص ص

تکواثر دوم (ص ص)

تکواثر اول (ص ص)

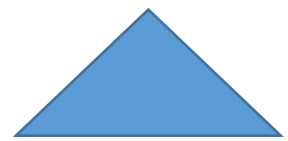
نقطه محوری



واگه

واج — — واج (م)

نقطه محوری



واگه

واج (ص) — — واج (م)

نتیجه گیری

پژوهندگان به نتایج زیر رسیدند :

1. صوت و ابعاد آن اثری مهمی در بیان معنا دارد .
2. تکواثرهای مکرر این واشرگان منسجم با طبیعت رخ دادهای اجتماعی می باشند
3. به كمك علوم فیزیک می توانیم مضامین دیگر را بیابیم .
4. هر واشره اثر این واشره ها اثر لحاظ دلالت و مفهوم متناسب با طبیعت و رفتار این اقوام می باشد .
5. علاقه های بین المللی همهء این واشرها در مروال صوتی واحد آمدند ، و آن اینست :
- این اثر لحاظ صوت اما اثر لحاظ ساختمان واشره هر کدام اثر آنها حروفی مغایر مرکب می باشد .
6. وحدت و یگانگی مدلول صوت نشان می دهد که عواقب این احداث یکسان است .

7. هر مترجم باید به علوم زبان شناسی، آواشناسی، روان شناسی و سایر علوم دیگر آگاه و مطلع باشد تا انرا همراه این علوم می تواند مفاهیم تازه در خصوص بیان مدلولها تولید بکند.

8. انرا همراه این تحلیل صوتی می توانیم واقعیت خارجی و شرایط زندگی اقوام قدیم و معاصر در بیابیم.

9. خدای متعال به ابعاد روانی انسان آگاهی کامل داشت، انرا این بابت افعال مذکور و نظیر آن در قرآن ذکر کرده شد، زیرا که در همه زمان و مکان افراد جامعه در مقابل آهنگ یا سخن کلام نرود تر واکنش نشان می دهند تا در مقابل این واکنش معنا و دلالت آن نرودی در بیابند.

منابع فارسی:

- ابوالحسن نجفی: مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، انتشارات نیلوفر،

چاب هشتم، 1382.

- دکتر تقی وحیدیان کامیار باهمکار غلامرضا عمرانی، سمت تهران، 1385.

- مهري باقري : مقدمات نربانشناسي تهران ، نشر قطره ، 1380 .

- فن ترجمه انرديدگاه استادان وصاحبنظران ترجمه ، علي جانزاده ، انتشارات جانزاده

، چاپ سوم 1389

منابع عربي

- قرآن كريم

- معجم المصطلحات علم اللغة الحديث وضع نخبة من اللغويين العرب : الدكتور محمد حسن

باكلا ، الدكتور محيي الدين خليل الريح ، الدكتور جورج نعمة سعد ، الدكتور

محمد اسماعيل ، الدكتور علي القاسمي ، نشر مكتبة لبنان ، الطبعة الاولى ، 1983 .

السيرة الذاتية

الدكتورة رنا علي مجيد صالح

تدرسية في كلية اللغات جامعة بغداد

rnd30@yahoo.com / أيميل

مواليد 1975/12 /28

حصلت على شهادة البكالوريوس من كلية اللغات / جامعة بغداد في عام 1997 بتقدير جيد

حصلت على شهادة الماجستير من كلية اللغات / جامعة بغداد في عام 2002 بتقدير جيد جدا

حصلت على شهادة الدكتوراة من كلية اللغات / جامعة بغداد في عام 2015 بتقدير جيد جدا

تعيينت في كلية اللغات جامعة بغداد بعنوان تدريسي في عام 2006

حصلت على مرتبة مدرس عام 2012

قمت بتدريس العديد من المواد الدراسية للمراحل الاربعة في سنوات دراسية مختلفة منها:

القواعد والقراءة والاملاء للمرحلة الاولى

القواعد والاستيعاب و الترجمة للمرحلة الثانية

النحو و الاستيعاب والترجمة العلمية و نظريات اللغة للمرحلة الثالثة

النحو والاستيعاب و علم اللغة للمرحلة الرابعة

اشرفت على العديد من بحوث التخرج للطلبة وبواقع 14 بحثا علميا

شاركت بالعديد من الندوات والسمنارات التي عقدت في كلية اللغات و خارجها مثل الملحقية الثقافية الايرانية بمشاركة تتعدى ال 25 مشاركة في موضوعات ادبية ولغوية مختلفة .

وشاركت بالعديد من المؤتمرات الدولية في الجمهورية الاسلامية الايرانية وحصلت على مراكز متقدمة فيها بالاضافة الى نشر بحوثي المشاركة في مجلدات وقائع المؤتمرات التالية:

1- مؤتمر تبريز الدولي الاول لتكريم الشاعر الايراني الكبير محمد حسين شهريار الذي عقد في جامعة تبريز الايرانية في 15-16-17/9/2015 وقد حصلت على المرتبة الثالثة ضمن افضل ست بحوث .

2- مؤتمر بيدل دهلوي الدولي الرابع الذي عقد في طهران من 16-20/9/2016 وحصلت فيه على جائزة المؤتمر الاولى .

3- المؤتمر الدولي الاول للشاعر الكبير محتشم كاشاني في مدينة كاشان الايرانية الذي عقد جامعة آزاد الاسلامية للعلوم الانسانية في 2-4/3/2017.

4. المؤتمر الدولي الثاني للغات واللهجات في مدينة الاهواز الايرانية الذي عقد من 2018/2/2-1 في جامعة شهيد تشمران /الاهواز .
 5. المؤتمر الدولي الرابع للثقافة و الفكر الديني في جامعة قم في مدينة قم المقدسة ايران الذي عقد في 2018/5/7.
 - 6.المؤتمر الدولي الخامس للبحوث الادبية برعاية جامعة خوارزمي الايرانية الذي عقد في طهران إيران في 2018/5/13.
- بالاضافة الى العديد من البحوث المنشورة و المقبولة للنشر في داخل العراق وبواقع 12 بحثاً
- كما وشاركت في العديد من الدورات الخاصة بتطوير اللغة الفارسية للاساتذة في العراق و إيران :
- 1- دورة تطويرية لأساتذة اللغة الفارسية في مؤسسة سعدي الدولية في إيران في 2016.
 - 2- دورة تطويرية لأساتذة اللغة الفارسية وحصلت فيها على شهادة دولية لتدريس اللغة الفارسية من جامعة تربيت مدرس وبالتعاون مع مؤسسة سعدي الايرانية والتي أقيمت في الملحقية الثقافية الايرانية في بغداد .
 - 3.دورة تطويرية لأساتذة اللغة الفارسية أقامها مركز قلم بالتعاون مع الملحقية الثقافية الايرانية و عدد من أساتذة اللغة الفارسية الايرانيين .